

توصیه‌ی لوتر درباره‌ی زندگی مسیحی

سینکلر فرگوسن

در زندگی مسیحی، حاکمیت مطلق خدا، نجات به‌وسیله‌ی فیض، عادل‌شمردگی به‌وسیله‌ی ایمان و حیات تازه در اتحاد با مسیح، چه معنایی دارند؟ در نظر لوتر، این موضوعات بر چهار مفهوم دلالت می‌کنند:

اولین دلالت آگاهی از این است که ایمان‌داران مسیحی هم‌زمان، «سیمول/ایستئوس/ات پیکاتور» عادل‌شمرده شده و نیز گناهکارند.^۱ این اصل، که لوتر احتمالاً به‌واسطه‌ی کتاب الهیات آلمانی اثر جان تایلر به آن دست یافته، اصلی بسیار تعیین‌کننده بود: در خود و درباره‌ی خود، هرچه می‌بینم فردی گناهکار است، اما هنگامی که در آینه‌ی مسیح به خود می‌نگرم، مردی را می‌بینم که در عدالت کامل مسیح، او هم عادل محسوب می‌شود. از این رو، چنین مردی می‌تواند در برابر خدا، درست به‌اندازه‌ی مسیح، عادل باشد—زیرا او فقط در عدالت مسیح است که عادل محسوب می‌شود. اینجا ما در امان هستیم.

دومین دلالت کشف این است که خدا در مسیح، به پدر ما تبدیل شده است. ما پذیرفته شده‌ایم. یکی از زیباترین داستان‌هایی که در مجله‌ی تیبل‌تاک درباره‌ی لوتر می‌یابیم، به‌طرز قابل‌توجهی، توسط جان شلاگینهاوفن افسرده اما دوست‌داشتنی نوشته شده است:

رفتار و گفتار خدا با من در مقایسه با رفتار کتی با مارتین کوچولو، باید بسیار دوستانه‌تر باشد. نه من نه کتی هرگز نمی‌توانیم عامدانه چشم‌فرزندانمان را در بیاوریم یا سرش را از تن جدا کنیم. خدا هم چنین کاری نمی‌کند. خدا با ما خیلی صبور است. او شواهدی از این موضوع را به ما ارائه کرده است و از همین رو، پسرش را در جسم فرستاد تا ما به عنوان یک الگوی نمونه به او بنگریم.^۲

در سومین دلالت، لوتر تأکید می‌کند که زندگی در مسیح الزاماً زندگی زیر سایه‌ی صلیب است.^۳ اگر ما با مسیح متحد شویم، در زندگی‌مان نیز از او الگو می‌گیریم. هم کلیسای حقیقی و هم مسیحی حقیقی باید راه خود را از طریق الهیات صلیب پیدا کنند، نه الهیات جلال. تأثیر درونی این امر مردن در خود و تأثیر بیرونی آن، شریک شدن در جفاهای کلیسا است. الهیات صلیب باید بر الهیات قرون وسطایی جلال غلبه کند. لوتر و کالون با وجود تمام اختلاف نظراتشان درباره‌ی ماهیت دقیق آیین مذهبی، بر سر

این موضوع توافق دارند. اگر ما با مسیح در مرگ و رستاخیز او متحد می‌شویم و از این رو، به واسطه‌ی غسل تعمید خود را از دیگران متمایز می‌کنیم (طبق تعالیم پولس در رومیان ۶: ۱-۱۴)، پس تمام زندگی مسیحی بر حمل صلیب استوار است:

منظور از صلیب مسیح آن تکه چوبی نیست که مسیح بر دوش حمل می‌کرد و بعداً هم به‌وسیله‌ی آن به چهار میخ کشیده شد، بلکه به‌طور کلی، صلیب بر تمام مصائب ایمان‌داران دلالت می‌کند که رنج‌هایشان، رنج‌های مسیح است؛ «زیرا به اندازه‌ای که دردهای مسیح در ما زیاده شود...» (دوم قرنتیان ۱: ۵) و باز: «الان از زحمت‌های خود در راه شما شادی می‌کنم و نقص‌های زحمات مسیح را در بدن خود به کمال می‌رسانم برای بدن او که کلیسا است» (کولسیان ۱: ۲۴). از این رو، صلیب مسیح به تمام مصائبی که کلیسا به‌خاطر مسیح می‌کشد اشاره دارد.^۴

به این ترتیب، در دیدگاه لوتر، اتحاد ایمان‌داران با مسیح در مرگ و رستاخیز او و پیامدش در زندگی روزمره تبدیل به دریچه‌ای شد که مسیحیان یاد می‌گیرند از طریق آن، به هر اتفاق زندگی بنگرند. این الهیات صلیب همه‌چیز را بیشتر در مرکز توجه قرار می‌دهد و موجب می‌شود که فراز و نشیب‌های زندگی مسیحی را درک کنیم:

به نفع ماست که این چیزها را بدانیم؛ مبادا که وقتی دشمنان با بی‌رحمی، ما را شکنجه و تبعید می‌کنند یا به قتل می‌رسانند، سوگ ما را در بر بگیرد یا در ناامیدی غرق شویم. بیایید به این فکر کنیم که در پیروی از الگوی پولس، باید به صلیبی که حمل می‌کنیم افتخار کنیم؛ ما این صلیب را نه، به‌سبب گناهانمان، که به‌خاطر مسیح بر دوش می‌کشیم. اگر رنج‌هایی را که می‌کشیم فقط رنج‌های خود در نظر بگیریم، غم‌انگیز و غیرقابل تحمل می‌شوند، اما وقتی بگوییم: «ما سرشار از رنج‌های مسیحیم» یا مانند مزموں بگوییم: «به‌خاطر تو ما در طول روز کشته می‌شویم...» (مزموں ۴۴: ۲۲)، این رنج‌ها نه تنها آسان می‌شوند، بلکه شیرین نیز به نظر می‌آیند. همان طور که می‌گوید: «زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک» (متی ۱۱: ۳۰).^۵

چهارمین دلالت اینکه نشانه‌ی زندگی مسیحی، اطمینان و شادی است. این یکی از نمادهای اصلاحات بود که با عقل هم جور در می‌آید. کشف جدید اصلاحات درباره‌ی عادل‌شمردگی—که به‌جای اینکه تلاش کنیم تا شاید به آن برسیم، زندگی مسیحی در واقع با آن آغاز می‌شود—رهایی شگفت‌انگیزی به‌دنبال داشت که ذهن، اراده و عواطف را سرشار از شادی می‌کرد. این یعنی آدم می‌تواند

از اکنون، در پرتو آینده‌ای آرام در جلال زندگی کند. طبعاً این پرتو در زندگی کنونی هم بازتاب می‌یابد و آسودگی و آرامش زیادی به همراه دارد.

ایستاده بر سر

از نظر لوتر، زندگی مسیحی یک زندگی مبتنی بر انجیل، ساخته شده از طریق انجیل و بزرگ‌نمایی انجیل است که فیض آزادانه و مقتدرانه خدا را به نمایش می‌گذارد و مبنای این زندگی، قدردانی از نجات‌دهنده‌ای است که برای ما جان خود را فدا کرد، تا وقتی که پیروزی بر مرگ غلبه پیدا کند و ایمان در همه‌جا به چشم بیاید.

شاید در ۱۵۲۲، همان طور که مردم به موعظه‌ی یکشنبه‌ی لوتر در کلیسای بُرنا گوش می‌دادند، برخی از اعضای جماعتش فکر کرده‌اند چه چیزی در قلب این انجیل وجود دارد که برادر مارتین را این طور به هیجان آورده و دگرگونش کرده است. آیا آن‌ها هم می‌توانند آن را درک کنند؟ لوتر ذهنشان را خوانده بود. او با آمادگی کامل، پشت سکوی وعظ قرار گرفته بود تا به پرسش‌های آن‌ها، پاسخ دهد:

اما انجیل چیست؟ این است که خدا پسرش را به جهان فرستاده تا گناهکاران را نجات دهد (یوحنا ۳: ۱۶)، جهنم را از بین ببرد، بر مرگ غلبه کند، گناه را دور کند و شریعت را مجاب کند. اما شما چه باید بکنید؟ هیچ؛ فقط این را قبول و منجی‌تان را ستایش کنید و ایمان راسخ داشته باشید که او تمام این کارها را برای خیریت شما انجام داده است و به رایگان، تماشش را به شما اعطا می‌کند تا در وحشت مرگ، گناه و جهنم، شجاعانه به آن تکیه کنید و با اطمینان بگویید: اگرچه من شریعت را رعایت نمی‌کنم، اگرچه هنوز هم گناه هست و از مرگ و جهنم می‌ترسم، انجیل به من آموخته است که مسیح تمام اعمالش را به من اعطا کرده است. اطمینان دارم که او دروغ نمی‌گوید و حتماً، به وعده‌هایش عمل خواهد کرد. به نشانه‌ی این موضوع، من غسل تعمید داده شده‌ام ... من اطمینانم را بر این اساس تثبیت می‌کنم. زیرا می‌دانم که مسیح بر مرگ، گناه، جهنم و شیطان برای خیریت من غلبه یافته است. زیرا او گناهی نکرد؛ همان طور که پطرس می‌گوید: «که هیچ گناه نکرد و مکر در زبانش یافت نشد» (پطرس ۲: ۲۲). از این رو، گناه و مرگ نتوانستند او را از بین ببرند و جهنم نتوانست او را اسیر کند. او فرمانروای آن‌ها شده است و این را به تمام کسانی که می‌پذیرند و ایمان می‌آورند، اطمینان

می‌دهد. اعمال و شایستگی‌های من بر تمام این‌ها تأثیری ندارد، بلکه همه بر اثر لطف، نیکویی و فیض محض است.^۶

لوتر جایی گفته بود: «اگر باور داشتم که خدا از من خشمگین نیست، از خوشحالی واروونه بر سر خود می‌ایستادم.»^۷ «شاید دقیقاً همان روز، برخی از افرادی که موعظه‌اش را شنیده بودند، مزه‌ی «اطمینانی» را که او درباره‌اش صحبت می‌کرد، چشیده باشند. چه کسی می‌داند که چندتا از شنوندگان جوان بعداً، به‌نوبه‌ی خود، برای دوستان‌شان نوشته‌اند که به خانه رفته و از خوشحالی واروونه بر سر خود ایستاده‌اند؟

یادداشت ویراستار: این مقاله از [میراث لوتر](#) گرفته شده و اولین بار، در ۲۹ اکتبر ۲۰۱۸ به چاپ رسیده است.

۱. نکته‌ای تکرار شونده در سخنان لوتر؛ مثلاً در لوتر: سخنرانی درباره‌ی رومیان، ۳۲۲، ۲۰۸، ۱۲۷.
۲. LW, 54:127.
۳. برای ارجاعات فراوان لوتر به این اصل، به الهیات لوتر درباره‌ی صلیب اثر والتر وان لونیچ، ترجمه‌ی هربرت جی. ای. بومان (مینیاپولیس: آگسبورگ، ۱۹۷۶)، ۴۳-۱۱۲ مراجعه کنید.
۴. لوتر، شرحی بر رساله‌ی پولس رسول به غلاطیان، ۵۵۸.
۵. همانجا، ۵۵۹.
۶. مجموعه‌ی کامل موعظت‌های مارتین لوتر، ۳۷۳، ۱۰۲.
۷. لوتر: انسان میان خدا و شیطان، ۳۱۵.

دکتر سینکلر بی. فرگوسن، یکی از مدرّسین همکار در لیگونیر و استاد ممتاز الاهیات نظام‌مند در مدرسه‌ی الاهیات اصلاح شده است. ولی پیش‌تر در مقام کشیش ارشد در First Presbyterian Church Columbia, S.C به خدمت مشغول بوده است و بیش از بیست کتاب نوشته که *The Whole Christ, The Holy Spirit, In Christ Alone, Devoted to God*، از جمله آثار وی به‌شمار می‌روند.

این مقاله در مجله [تیبیل‌تاک](#) منتشر شده است.